

طریقه مونتسوری در کودکانهای اروپا و آمریکا

نانکه قبلاً گفتیم در اغلب کودکانهای اروپا و آمریکا که در اکثر تمالک آنها را «باغچه بچگان» و یا «خانه بچگان» مینامند، طریقه تعلیم و تربیت مونتسوری را قبول کرده‌اند و بآن عمل میکنند. طریقه مونتسوری در نتیجه سالها تجربه در فن روحیات و اجتماعیات و با فداکاری دکتر «ماریا» مونتسوری و شاگردان و پیروان او قوام گرفته و نفوذ عظیم پیدا و اهمیت و قیمت بزرگ خود را ثابت کرده است. *تال جامع علوم انسانی*

برتری و ارزش بلند این طریقه درین است که همه جهان تکامل بچه را در نظر میگیرد و او را برای شرایط زندگانی اجتماعی امروزی حاضر میکند که بزرگترین این شرایط همانا استقلال و قوه تثبیت و اعتماد بر نفس می‌باشد.

همه میدانیم که بدن ما مرکب از سه نوع عنصر است ۱ — عنصر مادی که گوشت و استخوان و خون و مایعات بدن و امثال

اینهاست که اینها را اعضا و اجزای بدن مینامیم. ۲— عنصر حسی که اینها اعضا را بکار میبرند مانند حواس پنجگانه گرچه اینها بچشم دیده نمی شوند ولی بخوبی میدانیم که هستند و بوسیله عضوهای مخصوص اجرای وظیفه میکنند. ۳— عنصر عقلی و یا روحی مانند قوه فکر و دقت و حافظه و تمیز و حکم و امر و نهی و غیره که اینها نیز بچشم دیده نمی شوند ولی در وجود آنها شکی



بچه در هوای آزاد کودکستان
In the Garden School, England.

نداریم و با اندک دقت در اعمال و احوال افراد می بینیم که همین قواست که منشاء و محرك اصلی همه کارها و رفتارها و حالهای ما می باشند.

بدین هم شبهه نیست که هر تمام دوره زندگانی و برای کام

یابی از يك زندگي درست باید ما دارای همه این سه عنصر باشیم و آنها را درست و قوی نگاه داشته در هر حال بکار بندازیم. ر اگر کمی چشم دقت را باز کنیم و زندگانی مردم را کنجکاوی نمائیم می بینیم که بزرگترین مردان نامور تاریخی و خوشبختترین افراد انسانی کسانی بوده و هستند که این هر سه عنصر را در بدن خود تربیت کرده و با یکدیگر هماهنگ ساخته اند.

در مدارس مونتسوری این حقیقت را فهمیده و بموقع عمل میگذارند و ازین جهت طریقه مونتسوری برای اطفال يك فیض بزرگ میبخشد و خدمت مهمی بنژاد انسانی بجا میآورد. درین کودکستانها پروگرام و بازیها و کارهای دستی و اشتغالات فکری و ذهنی و طرز خوراك و پوشاك و حفظ الصحه و حتی اسباب و مخلفات کلاسها و ساختمان اطاقها و باغچهها را از روی شرایط مخصوصی که فن تربیت مونتسوری وضع کرده معین نموده اند و تمام حرکات و اعمال و مشغولیتها و درسها و بازیها و تفریحهای بچه را طوری تقسیم نموده اند که هر سه عنصر وی یعنی اعضای بدن و حواس پنجگانه و قوای عقلی از آنها بهره میبرد و پرورش مییابد و در نتیجه يك فرد متوازن و صحیح القوا بوجود میآید.

پروردن این سه عنصر با این تربیت صحیح بقدری در تکامل بچه مؤثر است و با اندازه زندگانی آینده او را پر فیض و پر فایده میسازد که تصور آن برای کسانی که در مدارس دیگر و بطرز قدیم تربیت شده اند تقریباً محال است. در مدارس قدیم روحیات بچه را تا ایندرجه شناخته و شرایط تکمیل حواس و قوای او را تا این پایه موشکافی و عملی نکرده اند و مثلاً برای هر يك از حواس پنجگانه مانند حس سامعه و باصره و شامه و غیره ورزشها، بازیها و کارهای مخصوص معین نموده بودند و ازین جهت این حسها با افعال

و موازنه و آهنگ کامل پرورش نمی‌یافت و غالباً هم پارهٔ ازین حواس ابداء غذای خود را پیدا نمی‌کرد و از نمو باز میماند. بنا برین اکثر بچه‌ها از فایدهٔ اغلب حواس خود محروم میمانند و در دورهٔ زندگانی آیندهٔ خود بسختی میافتادند چونکه کاری و شغلی پیش می‌گرفتند که مثلاً قوهٔ باصره در آن بسیار دخیل و مؤثر بود ولی این قوه را در خودشان دقیق و قوی نکرده بودند چونکه در بچگی و در مدرسه بآن نکته اهمیت نداده و ملتفت این حقیقت



بازی کردن بچه‌ها با حروف الفبا در يك كودستان
In the Garden School, England.

نشده بودند که تمام اعضا و حواس و قوای بچه را يك طرز مطرد و هماهنگ پرورش دهند.

«ماریا مونتسوری» در یکی از کتابهای خود دو مثال نظر ربائی برای توضیح این مسئله آورده است که ذکر آنها مطلبی را برای ما بسیار روشن خواهد ساخت. مومی‌الیها میگوید: يك نفر آشنیز هر قدر در فن خود ماهر و تجربه دیده باشد و هر قدر پختن

انواع خوراکیها را بلد و کتاب فن آشپزی را هم از بر کرده باشد
 اگر قوه شامه و ذائقه او کامل و قوی نباشد از زحمات و خدمات
 او نمیتوان نایده برد زیرا نخواهد توانست بوهای اندیه و ماکولات
 را بخوبی تشخیص بدهد و مثلاً اگر بخواهید ماهی تازه خریده
 پزرد میان ماهی تازه و کهنه نخواهد توانست فرق گذارد و یا در
 طعم غذاها اشتباه خواهد کرد و موافق ذائقه ناقص خود خواهد
 پخت. همچنین در فنون عالی و مثلاً در طبابت اگر مرد طیب
 همه فنون متعلق بطبابت را یاد گرفته و مدتها هم در مریضخانه و
 تشریح خانه تجربه کرده و کتابها حفظ نموده باشد ولی قوه سامعه
 و لامسه او ناقص باشد در شنیدن و تشخیص دادن ضربات قلب و
 حرکت سایر اعضای داخلی بدن و در حس کردن چگونگی نبض
 و یا ورمها و زخمهای داخل بدن با سر انگشتان خود دوچار
 سختی خواهد شد و از زحمات و شغل خود فایده کافی نخواهد
 برد. « این دو مثال برای نشان دادن فایده بزرگ تعلیم موسسوری
 نمونه خوبی بدست میدهد و اگر در نظر بگیریم که در همه صنعتها
 و حرفتها و در هر کار موفقیت بسته بقوت و بنیزی حواس پنجگانه
 ماست آنگاه اهمیت طریقه تربیت موسسوری را ادراک میکنیم.

اما در مملکت ما، تنها ازین حقایق بوی نبرده و در تربیت
 بچهها آنها را بموقع عمل نیسیگذارند بلکه بچهها را از فواید
 تربیت آزاد و بازی کردن در هوای صاف و در آغوش طبیعت نیز
 بی بهره می سازند بچگان ما مانند نهالان خودرو که پرورش آنها
 بسته بانصاف و مروت طبیعت و تغییرات و حادثات نیک و یا بد قلم
 است، بار می آیند و بزرگ می شوند. حتی میتوان گفت که آن نهالان
 خود رو و بی باغبان باز خوشبخت ترند چونکه در جای خود محکم

ایستاده خود را تسلیم جریان طبیعت میسازند و از آن دست که طبیعت میرورد میرویند اما بجهای ما محاط با هر گونه تأثیرات خارجی و دستخوش نفوذهای فاسد خانه و همسایه و کوچه و بازار و رفیق و همبازیهای خود میباشند و استعدادهای خوب و فطری خود را هم از دست میدهند و یا ضایع میسازند کجا مانده که هر يك از آنها را پرورش دهند و بدرجه کمال برسانند.

ازین جهت بسا دیده می شود که اکثر بچه ها و جوانان ایران در يك رشته تنها استعداد خوبی نشان میدهند و در رشته های دیگر بکلی بی بهره از لیاقت و استعداد میمانند چونکه تنها یکی از حواس پنجگانه آنها پرورش یافته است آنها نه از روی يك نقشه و مقصود معین و با يك نظر مخصوص از طرف پدر و مادر و یا مربی و معلم بلکه در اثر يك تصادف صرف بوقوع پیوسته است.

شاید در اینجا بنظر برسد که تکمیل هر يك از حواس نه تدریج بوسیله کار بردن آنها در حین لزوم خود بخود بعمل خواهد آمد و هر کسی در ضمن حرفت و شغلی که پیش خواهد گرفت البته حواس لازم باجرائی آنها هم بوسیله مشق و ممارسه در خود تیر و کامل خواهد کرد و دیگر احتیاج بتکمیل آنها در دوره بچگی نیست. این اعتراض مبنی بر نداشتن اطلاع کامل از فن روحیات و از نظریات تربیت موتسوری است. باید درست ملتفت شد که اولاً مقصود ازین طریقه تربیت، تکمیل کردن این حواس و قوا در بچه ها نیست چونکه هم محال است و هم مخالف فن و عقل بلکه غرض بیدار کردن این حواس و پروردن همه آنهاست با هم تا یکی کمتر از دیگری غذا نگیرد و در نمو خود عقب نماند و ثانیاً مقصود عمده این است که برای دوره جوانی و مبارزه زندگانی

که يك رشته مخصوص از شغل پیش گرفته و محتاج به استعمال زیاد از يك حس و قوه خواهیم شد قبلاً آن حس و قوه را حاضر و آماده و تیز و بیدار و مستعد سازیم تا وقت زیاد تلف نکند و بزودی مشغول شود. وقتیکه بچه با این اصول و طرز مخصوص تربیت شد درحین اشتغال بکسب و کار نه در انتخاب آن دوچار تردید خواهد شد و نه سالها محتاج شاگردی و باصطلاح معروف خورد



روشگاه علوم انسان و مطالعات فرسنگ
يك كلاس مونتسوری در انگلستان

Garden School, Great Missenden.

کردن استخوانهای خود خواهد گشت. بلکه پیداری این حواس و قوا او را وادار بجستجو کردن غذای آنها یعنی بچسیدن يك كار خواهد کرد و از دست عفریت سستی و زبونی و بیکاری و تبلی و گدائی نجات خواهد داد و ازین جهت است که من داخل کردن این طریقهٔ تعلیم و تربیت را در پروگرام مدارس ابتدائی و کودکانها و حتی در تربیت خانگی برای ایران از واجبات

میدانم و از ثمرات حیات بخش آن بسی امیدوارم.
 پس از شرح فلسفه و اهمیت طریقه مونتسوری خوب است يك
 نظر اجمالی هم بچگونگی تطبیق آن در كودكستانها بیندازیم و
 به بینیم این نظریات را با کدام كارها و اسباب و وسایل بموقع عمل
 میگذارند یعنی پروگرام این گونه كودكستانها و باغچه های بچگان
 از چه قرار است:

اوقات كار و اشتغال بچه ها در روزهای هفته بموجب دستور
 ماریا مونتسوری بترتیب ذیل است:

از ساعت ۹ تا ده: ورود بمدرسه — اجرای رسوم سلام — معاینه
 پاکی بچه ها — اشتغال با كارهای خانه داری از قبیل كندن لباسها و
 پوشاندن رخت پیشگیر بیهمدیگر و باك كردن اشیاء اطاق از كر،
 و غبار — حكایت كردن آنچه از دیروز عصر تا حالا در خانه
 کرده اند — خواندن دعاها و نضایح اخلاقی با آواز عمومی.

از ساعت ۱۰ تا ۱۱: ورزشهای فکری — درسهای مختصر از
 علم اشیاء بفاصله های متعدد و شمردن اعداد و اجناس — ورزشهای
 مخصوص برای تمرین حواس پنجگانه. *عالمات فیزیکی*

از ساعت ۱۱ تا ۱۱ و نیم: ورزش بدنی بسیار ساده —
 حرکتهای متعدد و مطبوع اعضای بدن — نگاه داشتن بدن در
 وضع طبیعی — قدم زدن بطور مرتب و با نظم در اطاق — ادای
 مراسم سلام با وضع مرغوب — حرکتهای برای نشان دادن دقت
 — گرفتن و دادن اشیاء بدیگری با طرز دلربا و با ادب.

از ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲: ناهار خوردن و دعا خواندن.

از ساعت ۱۲ تا ۱۳: بازیهای آزاد.

از ۱۳ تا ۱۴: بازیهای مخصوص در باغچه — بزرگها بنوبت

مشغول پاك کردن اطاق و گردهای اشیاء و چیدن آنها و غیره میشوند — معاینه نظافت بچه‌ها و لوازم و بازیچه‌ها — صحبت‌های بچگانه. از ۱۴ تا ۱۵: کارهای دستی، ساختن نمونه اشیاء از گل و مقوا، کشیدن نقشه و غیره.

از ۱۵ تا ۱۶: ورزش دسته جمعی و آوازه خوانی بقدر امکان در باغچه — ورزشهای مخصوص برای تقویت حسها (شرح آن در فصل راجع بازیچه‌ها داده شده) سرکشی کردن بگلها و نباتات و حیوانات که پرستاری آنها بعهده بچه‌هاست.

این پروگرام در پاره از کودکانها و نسبت بآب و هوای شهرها و دوری و نزدیکی خانه‌های بچه‌ها تغییر می‌یابد و حتی در بعض از آنها پس از ناهار یکساعت هم بچه‌ها را بخوابیدن عادت میدهند. در کتابهای تربیت موقتسوری بتفصیل همه مواد این پروگرام را شرح داده‌اند که ترجمه آنها از دایره گنجایش این کتاب خارج است. لیکن بطور عموم میتوان گفت که در همه این مشغولیتها و یا درسها چند نکته را خواه در ورزشهای بدنی و خواه در ورزشهای حسی و کارهای دستی رعایت میکنند:

۱ — از اجبار بچه به مشغول شدن با يك چیزی می‌برهنند و بقدر امکان او را در انتخاب بازیچه و بازیچه‌ها آزاد میگذارند مگر در کارهای دسته جمعی که همه باید شرکت کنند.

۲ — بقدر امکان در کارهای داخلی کودکان و در کارهای شخصی خود بچه‌ها مانند پوشیدن لباس و خوردن و خوابیدن و کندن لباس و شست و شو کردن و غیره بچه‌ها را مستقل و تنها میگذارند که اعتماد بر نفس و حس ثبث و اقدام در آنان پیدار و کارگر شود.

۳- در تمام کارها و حرکات و مشغولیتها مری بچه‌ها را

در تحت مراقبت و تدقیق میگیرد و مآخذ طبیعی که همه حالات مریض را تحقیق میکند تمام سکانات و حالات بچه‌ها را بدقت ملاحظه و یاد داشت مینماید تا طبیعت و استعداد هر يك از ایشان را دریابد و موافق آن با هر یکی رفتار کند

اما راجع به آلات و ادوات این کودکان چنانکه مقدمتاً گفتیم باید محیط بچه و تمام اشیاء و لوازم و مخلفات و بازیچه‌ها



تتمال جامع علوم انسانی

مرغها

Cock and Hen

موافق احتیاجات جسمی و روحی یعنی مناسب قوت بدن و قد و مزاج و سن او بشود تا بتواند ازین محیط فواید لازم را ببرد و بطور طبیعی بزرگ شود.

در کودکان این قاعده اساسی را در نظر گرفته نه تنها

اسباب و اشیاء آنها را مطابق این احتیاج ترتیب داده اند بلکه درها و پنجره‌ها و پله‌ها را هم طوری ساخته‌اند که بچه‌ها به تنهایی بتوانند آنها را ببندند و باز کنند و از پله‌ها بالا و پائین روند برای نمونه چگونگی ترتیبات داخلی یکی از کودکانهای پاریس را ذیلاً شرح میدهم:

۱ — محل کودکانستان: يك اطاق شش متر در شش متر برای بچه‌های سه تا شش ساله (برای ۲۵ بچه) و يك اطاق شش متر در شش متر برای بچه‌های شش تا هشت ساله و يك اطاق هفت متر در هفت متر برای بچه‌های هشت ساله (برای ۲۷ بچه) و يك تالار عمومی هشت در چهار متر برای بازیها و قدم زدن و موسیقی بعلاوه يك دهلیز (جامه کن) برای نگاه داشتن و آویختن لباسها.

۲ — اثاثیه: میزهای كوچك چهار قبری — میزهای يك قبری برای بچه‌های بسیار كوچك و یا آنها تیکه جداگانه باید کار کنند — تخته‌های سیاه دیواری — يك میز — دولاب برای بازیچه‌ها — دولاب برای عروسکها — دولاب برای آلات و ادوات موسیقی — آلات و ادوات «فروبل» — بعض حیوانات — مجموعه عکسها و تصویرهای مخصوص — طشتهای پر از ريك — خاك مخصوص برای ساختن قالب و کرده برداری — قوطیهای رنگ برای ترسیم — يك حوض شیشه‌ای برای نگهداری حیوانات آبی (آکواریوم)

۳ — هیئت تعلیمیه: يك مربیه برای هر اطاق و سه شاگرد بزرگ برای نظارت و معاومت و يك ناظمه و یا مدیره. دو نفر از بچه‌ها بترتیب نمره هر روز موظف به تمیز کردن و ترتیب دادن اشیاء اطاقها می‌شوند.

۴ — اوقات کودکستان: از ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه تا ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه که با بازیها و خواندن حکایتها و تماشای حیوانات و موسیقی و ساختن نمونه اشياء و قدم زدن و مشقهای حسی بموجب تعلیمات موتوسوری و غیره میگذرد. هرگز يك بچه را مجبور بشرکت در يك درس یا بازی نمیکنند بلکه باختیار خود میگذارند تا با هر بازی که دلش میخواهد مشغول بشود. و هر وقت که خودشان خواستند و بسر شوق آمدند نوشتن و خواندن هم یاد داده می شود. شمردن و نوشتن اعداد را



Wild hares خرگوشهای وحشی

تا صد و خواندن ساعت را هم یاد میگیرند.

در نتیجه این چنین تربیت و مواظبت است که بچه های فونهای با کمال سرعت و صحت مدارج ترقی را طی میکنند و خود را برای دوره جوانی با قوای صحیح و قوی حاضر ساخته در میدان مبارزه زندگی گوی کامیابی را با چوگان فعالیت و استقامت و متانت میربایند!